

مرامنامه رجل سیاسی و مقاصد و حیانی

مِنَ الْمُؤْمِنِينَ رِجَالٌ صَدَقُوا مَا عَاهَدُوا اللَّهَ عَلَيْهِ فَمِنْهُمْ مَن قَضَىٰ نَحْبَهُ وَمِنْهُمْ مَن يَنْتَظِرُ
 وَمَا بَدَّلُوا تَبْدِيلًا

وادی زندگانی بشر در عرصه خاکی براساس اندیشه توحیدی و باور افلاکی، مبدأ، مقصد و مسیری پر فراز و نشیب دارد که میان این دو ابتلاآت سخت گریبان گیر او می شود. اما در این مسیر، رد پای انسان‌هایی سترگ دیده می شود که با اندیشه و انگیزه الهی، عزم و جزمی راسخ، صلابت و استقامتی قاطع، با عناوینی الهی چون «مصطفی و مجتبی» به میدان آمده اند، تا مفهوم حیات راستین را تبیین نموده و اهداف زندگی ماندگار براساس عزت و شرافت را برای بشریت ترسیم نمایند. ازاین رو اگر چهره تابناک «ابراهیمیان» پیوسته بر تارک تاریخ تجلی نداشت و مسیر حیات بدون اقدام جهادی و اقدام الهی آنان رقم می خورد، تاریکی «ظَهَرَ الْفَسَادُ فِي الْبَرِّ وَالْبَحْرِ» جایی برای بروز کرامت، منزلت و تحقق اهداف خلقت باقی نمی گذارد.

از اینجاست که حکمت «لِنَبْلُوَكُمْ أَيُّكُمْ أَحْسَنُ عَمَلًا» برای قائمین و مجاهدین برابر قائدین، آشکار می شود، بلکه رسالت موحدین در زیاسازی عرصه زمین ظاهر می گردد. پس جان خطباتی چون «وَجَاهِدُوا فِي اللَّهِ حَقَّ جِهَادِهِ هُوَ اجْتَبَاكُمْ... مِلَّةَ أَبِيكُمْ إِبْرَاهِيمَ هُوَ سَمَّاكُمُ الْمُسْلِمِينَ مِنْ قَبْلُ وَفِي هَذَا لِيَكُونَ الرَّسُولُ شَهِيدًا عَلَيْكُمْ وَتَكُونُوا شُهَدَاءَ عَلَى النَّاسِ» گویای مسئولیت جهانی مؤمنین و مجاهدین و ابراهیمیان زمین است. در این جبهه، حق جهاد با «جَاهِدُوا فِي اللَّهِ حَقَّ جِهَادِهِ» تبیین می شود و



ابراهیم خلیل، پدر امت اسلامی و قافله‌سالار این مسیر تعیین می‌گردد و فروغ ابدیت در فرزندش محمد (صلی الله علیه و آله و سلم) مصطفی تجلی میابد و شاهد و ناظر بر عمل امت اسلامی قرار می‌گیرد. سپس پیروان او یعنی «وَالَّذِينَ آمَنُوا»، از سویی رسالت تحول و آبادانی و از سوی دیگر مقابله با جبهه کفر، شرک، ظلم و ظلمت را در سطح جهان برعهده می‌گیرند تا مدار حرکت بشر در زمین، برصراط مستقیم و نورمین تداوم یابد و زمینه تحقق عدالت جهانی براساس وعده «لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ» با تلاش صابرين و مخلصين و مجاهدين محقق گردد.

آری؛ اراده الهی برای قرار گرفته تا خلیفه او در زمین با اراده و تدبیر خویش، اما با رهیافت فطرت و راهبرد شریعت، به پیروی ابراهیم و فرزندانش نه تنها مسیر زندگانی خویش را تعیین کند، بلکه اوراق تاریخ را به جمال حرکت خویش ترسیم نماید.

در این مسیر اگرچه همه انسان‌ها از موهبات حیات برخوردارند؛ زیرا خدای کریم در تمامیت نعماتش برندگان جلوه «أَسْبَغَ عَلَيْهٖ نِعَمَهُ ظَاهِرَةً وَبَاطِنَةً» را ظاهر ساخته است و عرصه هستی را به جمال خویش آراسته است، برای همه انسان‌ها بدون مختصات فرعی و فردی شناسنامه مشترکی مقرر نموده که معرف این حقیقت است که مسیر همه: «إِنَّا لِلّٰهِ وَإِنَّا إِلَيْهِ رَاجِعُونَ» می‌باشد، اما در تقدیر و سبک انتخاب متفاوت. از این رو این انسان است که در مسیر، «أَمَّا شَاكِرًا أَوْ كَفُورًا» را رقم می‌زند، و گاه به رغم «إِنَّا هَدَيْنَاهُ السَّبِيلَ»، مصداق «فَمِنْكُمْ كَافِرٌ وَمِنْكُمْ مُّؤْمِنٌ» می‌گردد.

اکنون پرسش این است که چه می‌شود برخی در پایانه به حقیقت «طُوبَىٰ لَهُمْ وَحَسَنَ مَا بَ» راه می‌یابند و برخی به وادی «حَقَّ عِقَابٌ» می‌رسند؟

مگر نه اینکه عنایت الهی برای تمام بندگان مبنی بر این است که «حَبِّبَ إِلَيْكُمْ الْإِيمَانَ وَزَيَّنَهُ فِي قُلُوبِكُمْ وَكَرَّهَ إِلَيْكُمُ الْكُفْرَ وَالْفُسُوقَ وَالْعِصْيَانَ»، اما چگونه برخی گوی سبقت را می‌ربایند و با اطمینان و سرعتی تمام نه تنها به وادی «الصَّابِرِينَ وَ الصَّادِقِينَ وَ الْقَانِتِينَ وَ الْمُتَّقِينَ وَ الْمُسْتَغْفِرِينَ بِالسَّحَرِ» می‌پیوندند، بلکه جزء احیاگران حیات انسانی می‌شوند و روح حیات در کالبد جوامع می‌دمند، جاودانه می‌مانند و شادمانه

می‌زیند. از سوی دیگر، بشارت بهترین سرنوشت را در این انتخاب به دیگران می‌دهند که: «فَرِحِينَ بِمَا آتَاهُمُ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ وَيَسْتَبْشِرُونَ بِالَّذِينَ لَمْ يَلْحَقُوا بِهِمْ مِنْ خَلْفِهِمْ أَلَّا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ»

اگر ما باشیم و همین یک آیه برای تبیین فضیلت شهادت و شادمانی حقیقی این انسان‌های منتخب و بتوانیم حقیقت شیرین این مفاهیم را در دفاع از حق، به انسان‌های آزاده در دنیا منتقل کنیم، دیگر نیازی به بسیاری از مفاهیم بین‌المللی و مقاولات معمول همراه با حيله و دسیسه نداریم. در این صورت، رجل سیاسی معنای دیگری پیدا می‌کند. خدمتگزاری، تعهد، صبوری، صلابت و عزت، استقامت در جلب رضای الهی، اخلاص و رحمت بر مستضعفان و عدم نرمش بر دشمنان و غیره. امروز جهان به تنگ آمده از مظالم جهان سلطه و استکبار به دنبال راه نجاتی برای نجات محرومین و مظلومین، فارغ از سلاح‌های کشنده شیمیایی و هسته‌ای است. این شهادت و خون شهید است که خود به تنهایی آثاری دارد که هرگز حیات تلاش‌گرانه او به این میزان اثر ندارد. این همان معنای بلند «وَلَا تَحْسَبَنَّ الَّذِينَ قُتِلُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ أَمْوَاتًا بَلْ أَحْيَاءٌ عِنْدَ رَبِّهِمْ يُرْزَقُونَ» است.

مقام معظم رهبری در رثای شهدای خدمت دکتر رئیسی عزیز و همراهان به همین آیه استناد فرمودند که قرآن کریم در سوره بقره می‌فرماید: «به کسانی که در راه خدا کشته می‌شوند، مُرده نگویید؛ زیرا آنها زنده هستند، اما شما نمی‌دانید» و از آنجا که در این آیه بحثی درباره حرکت نظامی و جنگ نیست، هر کسی در راه خدا همچون راه خدمت به مردم، کار جهادی برای آنها و اداره کشور و پیشرفت نظام جمهوری اسلامی کشته شود، شهید است. ما این عزیزان را شهدای خدمت می‌دانیم، همچنان که تعبیر با ارزش شهید خدمت و شهید جمهور از دل مردم جوشید. همه اعتراف کردند که او مرد کار و عمل و خدمت و صفا و صداقت بود. برای خدمت شب و روز نمی‌شناخت. رئیسی عزیز در خدمتگزاری به کشور و ملت، نصاب جدیدی ایجاد کرد

که با وجود تلاش خدمتگزاران قبلی، تاکنون در این حد و حجم و کیفیت و با این صداقت و پرکاری نبوده است. تحرک فراوان و با برکت در سیاست خارجی برای حال و آینده کشور و استفاده از فرصت‌ها و برجسته کردن ایران در چشم رجال سیاسی دنیا از دیگر خصوصیات شهید رئیسی بود. سبک مدیریتی او در بین همکارانش، ویژه و همراه با صفا و صمیمیت بود.

اکنون برگ دیگری در تاریخ انقلاب اسلامی در حال رقم خوردن است و بار سنگین تری بر دوش مسئولین و امت اسلامی ایران گذارده شده که به واسطه شهادت این عزیزان خدمت و جهادگر، هم برای منتخبین و هم قاطبه رأی دهندگان لحاظ شرایط دیگری ایجاب شده است. اینجاست که باید پرده‌های ابهام از چهره رجال سیاسی برداشته شود و معنایی واقعی از رجل سیاسی مبنی بر منطق و حیانی روشن شود تا چهره‌های نفاق و تزویر و مطالبه‌گر و حریص به مال و منال، نمودار شده و حقیقت خدمتگذاری به بندگان از پس جاه‌طلبی دنیاپرستان روشن شود. اکنون سراغ آیات روشنگرانه قرآن می‌رویم و چند خصیصه را در این مجال بیان می‌کنیم.

الف: «رِجَالٌ صَدَقُوا مَا عَاهَدُوا اللَّهَ عَلَيْهِ فَمِنْهُمْ مَنْ قَضَىٰ نَحْبَهُ وَمِنْهُمْ مَنْ يَنْتَظِرُ وَمَا بَدَّلُوا تَبْدِيلًا» آنان که صداقت‌شان عالم‌گیر شد و حسینی‌وار به مقصد رسیدند و اما آنان که ماندند و منتظر، کارشان سخت‌تر؛ زیرا تداوم این مسیر برعهده ایشان است. پس رجل سیاسی دارای صداقت و تعهد الهی است.

ب: «رِجَالٌ لَا تُلْهِيهِمْ تِجَارَةٌ وَلَا بَيْعٌ عَنْ ذِكْرِ اللَّهِ وَإِقَامِ الصَّلَاةِ وَإِيتَاءِ الزَّكَاةِ يَخَافُونَ يَوْمًا تَتَقَلَّبُ فِيهِ الْقُلُوبُ وَالْأَبْصَارُ»؛ مردانی که امور مباحی چون تجارت و بیع و معاملات فردی آنان را از بندگی و وظایف اجتماعی و خدمت‌رسانی باز نداشت؛ زیرا اندیشه توحیدی و ایمان به معاد بر رفتار آنان در دنیا سایه افکند. این گونه رجال در نظام اسلامی مایه حرکت و برکت و سازندگی هستند.

ج: «إِنَّ الَّذِينَ قَالُوا رَبُّنَا اللَّهُ ثُمَّ اسْتَقَامُوا تَتَنَزَّلُ عَلَيْهِمُ الْمَلَائِكَةُ أَلَّا تَخَافُوا وَلَا تَحْزَنُوا وَأَبْشِرُوا بِالْجَنَّةِ الَّتِي كُنتُمْ تُوعَدُونَ»؛ آنان که گفتند یکتاپرستیم و الله، محور اندیشه ماست و براین اندیشه استقامت نمودند. دلشان پایگاه نزول ملائک شد و هیچ خوف و اندوهی در مسیر زندگی همراه با مقاومت توحیدی، آنان را از حرکت باز نداشت.

آری رجل سیاسی در نظام اسلامی باید از چنین قدرت معنوی برخوردار باشد.
د: «وَيُؤْثِرُونَ عَلَى أَنْفُسِهِمْ وَلَوْ كَانَ بِهِمْ خَصَاصَةٌ وَمَنْ يُوقِ شُحَّ نَفْسِهِ فَأُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ.»؛ آنان خادمند و خود را بردیگران مقدم نمی کنند. بلکه در خدمت رسانی به ویژه برای محرومین، اهل ایثار و رفتار همراه با تقوی و خودکنترلی هستند که مبادا از مسیر صلاح و فلاح خارج شوند. این مرام رجل سیاسی در تفکر و حیانی است.

ه: «مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللَّهِ وَالَّذِينَ مَعَهُ أَشِدَّاءُ عَلَى الْكُفَّارِ رُحَمَاءُ بَيْنَهُمْ تَرَاهُمْ رُكْعًا سُجَّدًا يَبْتَغُونَ فَضْلًا مِنَ اللَّهِ وَرِضْوَانًا..» این آیه از سوره فتح تا آخر آن مبین یک انسان الهی است که در تبعیت از نهضت نبوی در جامعه دینی، دغدغه عملیاتی سازی اسلام را دارد. او الگو و مدل زندگی سیاسی دارد. او در ولایت باوری و پیروی از خدا و رسول مسیر را می شناسد. بر این اساس او دشمن شناس است. در توانایی تحقق اهداف الهی، نمونه و مدل تاریخی می گردد؛ به گونه ای که حتی در ملل غیراسلامی مثل او مانند شاخه سار نوپیدایی است که در توانایی و رشد، دوستان را متعجب و دشمنان را به غضب وامی دارد. اگر رجال سیاسی ما فقط همین یک آیه را باور کنند، در دنیا و آخرت پیروزند. و خدا رحمت کند شهید عزیز رهبری و ملت اسلامی را که با رفتنش هم می خواست تحولی در بینش ها و منش ها ایجاد نماید.

و: «لَا يَسْتَوِي الْقَاعِدُونَ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ غَيْرُ أُولَى الضَّرَرِ وَالْمُجَاهِدُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ بِأَمْوَالِهِمْ وَأَنْفُسِهِمْ فَضَّلَ اللَّهُ الْمُجَاهِدِينَ بِأَمْوَالِهِمْ وَأَنْفُسِهِمْ عَلَى الْقَاعِدِينَ دَرَجَةً»؛ اینان نه تنها قایل به نشستن نیستند و دنبال صندلی برای نشستن و میز برای ارتفاع طلبی نمی گردند، بلکه قائم بدون هدف غایت مند و غیر الهی نمی باشند، بلکه مجاهد فی

سبیل الله و مقابل سبیل طاغوتند. از این رو درجات ایشان در دنیا و آخرت از دیگران متفاوت است و به سبب زندگی جهاد گونه مصداقی بر «إِنَّ اللَّهَ اشْتَرَى مِنَ الْمُؤْمِنِينَ أَنْفُسَهُمْ وَأَمْوَالَهُمْ بِأَنْ لَهُمُ الْجَنَّةُ يُقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ فَيَقْتُلُونَ» هستند. اینانند که هرگز نمی میرند، بلکه حیات عزتدانه را در تاریخ رقم می زنند. این بخشی از مرانامه رجال سیاسی در منطق و حیانی است.

و اکنون پاسداشت این خون ها در عرصه تلاش جهادگرانه زنان چیست؟ پاسخ این پرسش کاملاً روشن است؛ زیرا افزون بر نکات فوق در اندیشه و حیانی، اصول و قواعد حاکم بر نظام قانون گذاری، اندیشه پیش کسوتان انقلاب به ویژه امامین آن و تابعین آنان در نظام تقنین و اجرایی، تجربه زیسته زنان اندیشمند در تاریخ انقلاب اسلامی، افزون بر مرور تاریخ عزت مدار و صلابت آفرین تمدن اسلامی، دریچه های دیگری را به سوی ما گشوده است. ارزیابی نقش ارزشمند زنان به ویژه در تاریخ صدر و تلاش اندیشمندان آنان در عصر معصوم (علیه السلام) گشایش ابواب مختلف برای فعالیت های علمی و مبارزاتی زنان در مقابله به حاکمان جور و طاغوت، صلابت و استقامت آنان در برابر دستگاه خلافت اموی و عباسی، وجود الگوهای برآورنده و سازنده در فرهنگ شیعی، به ویژه طراحی الگوی سوم از سوی حکیم فرزانه و رهبری مقام معظم رهبری در پیام تاریخی ایشان به کنگره ملی هفت هزار زن شهید کشور که بیش از یک دهه از آن می گذرد، اقتضائاتی اساسی و مجدانه به ویژه در شرایط کنونی دارد و تحولات خاصی را به ویژه در عرصه های علمی و بنیادی دارد. ما امروز نیازمند نیروی توانای علمی، انقلابی، مقاوم و مجاهد در عرصه های داخلی و بین المللی هستیم. مختصات کنونی جهان اسلام و زن مسلمان، ضرورت این امر را بیش از هر زمان مبرهن می نماید. زن مسلمان در جهان کنونی، در مواجهه ای جدی با بسیاری از بحران های عصری خود است. رسوایی سیاست های تحمیلی و دروغین و فریاد حقوق از بیرون، قتل و نسل کشی، جنایت و درندگی بستن دریچه های حیات حداقلی، تحمیل گرسنگی

و بیماری، زنده به گور کردن و گورهای دسته جمعی از مصایب و مشکلات زن مسلمان در دنیای متمدن کنونی است. مسئله تعدی گری دنیای سلطه، نه تنها ثغور جغرافیایی زن مسلمان را که موطن امنیت و سلامت اوست، مورد تعرض قرار داده، بلکه پیش از این وقایع نیز عرصه‌های وابستگی را با نفوذ از راه بینش و منش و دانش، مورد تعرض آشکار قرار داده بود. اما امروز امروز بحمدالله چهره تزویر و دروغین او برملا شده است.

امروز بیداری اسلامی، زن مسلمان را به حرکتی نوین و جهشی عزت آفرین بر مبنای بینش و منش و طراحی روشمند اسلامی فرامی خواند. حریت و آزادگی، سلامت نسل و عقل و مال و استقلال در فکر و مهارت در عمل که از اولی ترین حقوق اساسی- انسانی است و سلامت نفس که در گرو رعایت این حقوق است، به اشکال مختلف مورد تطمیع و تهدید قرار گرفته‌اند. امروز در نهادها و سازمان‌های بین‌المللی کار به جایی رسیده که تضییع حق مستضعف و مظلوم مقدم بر پیشگیری از ظلم است. در چنین نظام جهانی امید زن مسلمان به چیست؟ از سویی برخی خرده فرهنگ‌های غلط به نام دین و سنت راستین در درون زندگی ما مسلمانان تا حدی رخنه کرده و به همین دلیل پیوسته در تقابل یک امر بیرونی و چالشی درونی قرار گرفته‌ایم. اکنون وظیفه ما حرکت معقول و متناسب با فرهنگ و تمدن اصیل و راهوار و زمینه‌سازی همت شایسته برای رهایی از این مشکلات و مصائب است.

خدایا بر ملت ما منت گذار که اگر داغ گران شهادت آیه‌الله ریسی و یارانش بر دل این امت ماند، این رخداد حامل همه این پیام‌ها باشد و تلاش زنان و مردان موحد و خداجوی این مرز و بوم، تداوم راه آنان در آبادانی و آبادی این سرزمین شهید پرور باشد.

